

## بسم الله الرحمن الرحيم

از دست دادن خلافت، خسارت بزرگ و سنگین امت؛ آیا کارکنانی وجود دارند که به یادآورند؟!

(ترجمه)

به محض این که آفتاب خلافت غروب کرد، حکم بما انزل الله نیز ناپدید شد و حالت مسلمانان از عزت‌مندی، کرامت و حفاظت از دشمنان‌شان به ذلت، خواری، دست یافتن -دشمنان- به سرزمین‌ها و مقدسات... مبدل گردید. امسال ماه رجب فرا رسید و بر سقوط دولت خلافت و ناپدید شدن حکم الله از روی زمین صدسال هجری سپری شد. کفار غرب و خائنین ترک و عرب و همراهان‌شان که از ثقافت بیگانگان تغذیه شده و مال مسموم آنان را گرفته بودند، برضد دولت اسلام دسیسه‌چینی نمودند و با پشتیبانی مزدوران منطقوی شان امثال مصطفی کمال و حسین ابن علی، به دولت اسلامی نزدیک شده و برای فروپاشی آن کار و فعالیت نمودند و مسلمانان در حالت ضعف و غفلت قرار داشتند.

آسمان خلافت صاف بود و آفتاب آن روشنایی خود را جهت روشن کردن راه نجات برای گم‌گشتگان می‌فرستاد. خلافت مناره‌ای بود که برای جهانیان روشنایی و عدالت، میان مردم را نشر می‌نمود و از زندگی‌شان محافظت می‌کرد و برای سعادت‌مندی دارین (دنیا و آخرت) شان کار می‌کرد؛ به محض این که سقوط کرد، آسمان با ابرها در هم خورد و آفتاب در عقب آن پنهان شد و پس از آن گریه مظلومین، آه و ناله‌های سرگردان شده‌گان، یتیمان، مجروحان و مادرانی که فرزندان خود را از دست داده اند، به گوش رسید.

به دلیل این که دشمنان اسلام بزرگی و خطر دولت خلافت بر تمدن‌شان را می‌دانستند، نیروهای انگلیس اشغالگر از تنگه بسفر و استانبول خارج نشدند؛ مگر پس از مطمئن شدن از فروپاشی دولت خلافت، تأسیس جمهوریت سیکولاریستی بر ویرانه‌های خلافت و اخراج خلیفه از آن سرزمین.

نابودی خلافت به راستی بزرگ‌ترین مصیبتی بود که مسلمانان دچار آن شدند، با نابودی خلافت و از دست رفتن قدرت‌شان تطبیق کتاب الله سبحانه و تعالی و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم متوقف شد. امت در زندگی اسلامی به سر می‌بردند و شریعت الله را در تمام بخش‌های زندگی‌شان تطبیق می‌کردند و قرآن قانون اساسی زندگی‌شان بود؛ همان طوری که پروردگار -عزوجل- ما در موردشان می‌فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ [آل عمران: 110]

ترجمه: شما بهترین امتی هستید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اید؛ (مادامی که) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به الله ایمان دارید.

پس از این عمل به کتاب الله و سنت پیامبر وی صلی الله علیه وسلم در زندگی مردم معطل گردید، قرآن رها کرده شد، به عوض شریعت الله، احکام وضعی ساخته بشر جایگزین گردید و بر حکام مسلمانان، این فرموده‌های الله مطابقت کرد:

﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ [المائدة: 44]

ترجمه: و کسی که بدانچه الله نازل کرده است حکم نکند، او و امثال او کافرند.

﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [المائدة: 45]

ترجمه: و کسی که بدانچه الله نازل کرده است حکم نکند، او و امثال او ستمگر اند.

﴿وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الفَاسِقُونَ﴾ [المائدة: 47]

ترجمه: و کسی که بدانچه الله نازل کرده است، حکم نکند، او و امثال او فاسق اند.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: 60]

ترجمه: آیا ندیدی کسانی را که گمان می کنند به آنچه (از کتاب های آسمانی که) بر تو و بر پیشینیان نازل شده، ایمان آورده اند، ولی می خواهند برای داورى نزد طاغوت و حکام باطل بروند؟! با این که به آن ها دستور داده شده که به طاغوت کافر شوند. اما شیطان می خواهد آنان را گمراه کند، و به بیراهه های دور دستی بيفکند.

و پس از این که اسلام 13 قرن تطبیق کرده شد، مسلمانان امروز با نظام های کفری حکومت می شوند که برای مسلمانان فجاج و مصیبت ها را به بار می آورد و همواره از آن رنج می برند؛ حتی اکنون در این دنیا، حدود صد سال می شود دولت شان نابود شده است، امروزه در حالت ذلت و خواری به سر می برند، احکام اسلام از واقعیت زندگی شان به طور کل ناپدید شده و رویکرد سرمایه داری بر جوامع مسلمانان تسلط یافته است و به عوض رابطه عقیدوی میان فرزندان امت، روابط قومی، ملیت گرائی و مصلحتی جایگزین شده است. بناءً مسلمانان باید تمام تلاش خود را برای بازگرداندن حکم الله در زمین، با آخرین سرعت به خرج دهند! الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ ۗ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ۗ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [يوسف: 40]

ترجمه: حکم تنها از آن الله است؛ فرمان داده که غیر از او را نپرستید! این است آیین یابرجا؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند!

پس از این که مسلمانان در یک سرزمین زندگی می کردند و یک خلیفه حاکم آن سرزمین بود، به یک زبان صحبت می کردند، یک پرچم داشتند، یک ارتش داشتند و یک هویت داشتند؛ هر جا که می خواستند رفت و برگشت می کردند، مرزها، بندها، موانع و یا پاسپورت میان شان جدائی نمی افکند، فقط این فرموده الله سبحانه و تعالی آنان را به هم ارتباط می داد: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ [الحجرات: 10] ترجمه: فقط مؤمنان برادر همدیگرند. پس از تمام آن دولت اسلام به بیشتر از پنجاه کیان ناتوان (قدرت های کوچک) متفرق و از هم گسیخته شد. کفار بر هر کیان نگهبان، بلکه برده پست و فرمانبردارشان را تعیین نمودند، که افکار و منافع شان را حمایت می کنند و طرح های شوم شان را بر فرزندان امت به اجراء در می آورند و پیوندی که مسلمانان را به همدیگرشان ارتباط می دهد، پیوند ملیت گرائی، قوم گرائی و مصلحت گرائی است، و این کار باعث افزایش تفرقه، خود خواهی و متفرق شدن فرزندان یک امت گردیده است؛ حتی آنان این فرموده الله -سبحانه و تعالی- را فراموش نموده اند:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرُّوا﴾ [آل عمران: 103]

ترجمه: و همگی به ریسمان (دین) الله چنگ زبید و پراکنده نشوید.

مسلمانان با عدم موجودیت خلافت مقام و هیبت‌شان را در میان کشورها از دست دادند و تاریخ گواهی می‌دهد که خلافت قوی‌ترین دولت‌ها در عرصه‌های مختلف بود و در سیاست سائر دولت‌ها به طور واضح تأثیر داشت، پس از این که دولت اسلامی در برخورد با هیبت بود و ارتشی داشت که مغلوب نمی‌گردید؛ کشورهای کافر برای به دست آوردن رضایت آن و منعقد کردن معاهدات صلح با آن، رقابت می‌نمودند. مسلمانان به پیروزی‌های پیاپی نایل می‌شدند و عزت و شوکت داشتند! حالا پس از متلاشی شدن دولت‌شان، به ذلیل‌ترین ملت‌های جهان مبدل گردیده‌اند و از دید مقام پایین‌ترین‌شان است، بلکه در حقیقت هیچ مقام ندارند؛ چه رسد به هیبت! این سرزمین‌های مسلمانان است که اشغال شده، مصیبت‌ها پی‌درپی بر آنان می‌تازد و قدرت‌های‌شان، ناتوان استند و در رأس آن حکام مزدور قرار دارند که هیچ‌کاری از دست‌شان نمی‌آید؛ حتی مسلمانان پس از این شکست‌های ننگین و عقب‌گردهای پیاپی، مشتاق پیروزی هستند؛ تمام ملت‌های جهان به مسلمانان اهمیت نمی‌دهند، بلکه در دشمنی بر امت مجروح اسلامی رقابت می‌کنند، طوری که رسول الله فرموده:

«يُوشِكُ الْأَمَمُ أَنْ تَدَاعَى عَلَيْكُمْ كَمَا تَدَاعَى الْأَكَلَةُ إِلَى قَصْعَتِهَا فَقَالَ قَائِلٌ وَمِنْ قَلِيلٍ نَحْنُ يَوْمَئِذٍ قَالَ بَلْ أَنْتُمْ يَوْمَئِذٍ كَثِيرٌ وَلَكُمْ غَمٌّ غُمَّاءٌ كَغُمَّاءِ السَّيْلِ وَلَيَنْزَعَنَّ اللَّهُ مِنْ صُدُورِ عَدُوِّكُمْ الْمَهَابَةَ مِنْكُمْ وَلَيَقْذِفَنَّ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمُ الْوَهْنَ فَقَالَ قَائِلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْوَهْنُ قَالَ حُبُّ الدُّنْيَا وَكَرَاهِيَةُ الْمَوْتِ»

ترجمه: به زودی ملت‌ها (غیر مسلمانان) یکدیگر را علیه شما فرا می‌خوانند، همانطور که خورندگان [غذا] یکدیگر را به سوی ظرف غذا فرا می‌خوانند، کسی گفت: به دلیل کمی تعداد مان در آن روز چنین است، فرمود: [خیر] بلکه تعداد شما در آن روز زیاد است، اما شما مانند کف روی سیل هستید، هیبت شما از دل‌های دشمنان تان از بین خواهد رفت و در دل‌های شما وهن ایجاد خواهد نمود، یکی پرسید: یا رسول الله! وهن چیست؟ او صلی الله علیه وسلم گفت: حب دنیا و تنفر از مرگ است.

این حالت هم‌چنین باقی خواهد ماند، مگر این که امت اسلامی بشتابند و تلاش خود را در راه عزت‌مندی‌شان به خرج دهند، از طریق برپایی دولت خلافت، که امورشان را تنظیم می‌کند و مقام‌شان را باز می‌گرداند! الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ [محمد: 7]

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) الله را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.

دولت اسلام، در تمام امور: سیاست، نظامی، علم و تمدن اول بود. آفتاب تمدن و زهره دنیا بود که برای جهانیان نور و روشنائی را حمل می‌کرد و تاریکی‌های جهل را بر می‌چید و برای آزاد نمودن بشریت از ظلم طاغوت‌ها کار می‌کرد، همان طور که رب العزت - امت اسلامی را- توصیف کرده است: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ [آل عمران: 110] ترجمه: شما بهترین امتی هستید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اید. پس از این که قوی بود، رؤسای دولت خلافت به پادشاهان زمین با کمال عزت، خطاب می‌کرد:

«من رسول الله محمد بن عبد الله إلى كسرى الفرس، أسلم تسلم» ترجمه: از محمد، فرستاده الله به بزرگ فارس! اسلام بیاور تا سلامت بمانی! «از هارون الرشید امیر المؤمنین به نکفور سگ روم!» و «از معتصم، امیر المؤمنین به پادشاه روم زن مسلمان را آزاد کن و اگر نه با لشکری به سویت می آیم که اولش نزد تو و آخرش نزد من باشد!» و سائر موضع گیری های مردانی که می گفتند و تطبیق می کردند، مؤمنان همیشه عزت مند بودند و هیچ شخصی نبود که جرئت لمس کردن یک مسلمان یا حتی ذمی از افراد رعیت را داشته باشد، پس از تمام این امت امروز در آخر ملت ها قرار گرفته است که به امور شان صلیبی ها حاکمیت دارند، نعمت های شان را غارت می کنند، پسران شان را ذبح می کنند، زنان شان را اختطاف می کنند. جهانیان می بینند، آواشان را می شنوند و هیچ کسی کاری نمی کند. بدتر از این و تلخ تر این است که امت برای حل مشکلات شان به امریکا و اروپا التماس می کنند، به عوض این که ذلت و پستی را از خود بر طرف نمایند و فرومایه گان استعمارگر را از میان بردارند و برای خود هیبت و بزرگی را دوباره بازگردانند.

مسلمانان تسلط بر دارائی ها و نعمت های شان را با نابودی خلافت از دست دادند؛ خلافتی که به ما انزل الله حکم می کرد. نظام اقتصادی اسلامی را طبق احکام شرعی تطبیق می کرد. در نتیجه خزانه و انبارهای مسلمانان پر از اموال و دارائی شد و خوب اداره شد؛ حتی گاهی اوقات زکات مستحقین خود را نمی یافت، خیر و آسایش فراگیر شده بود و الله -سبحانه و تعالی- در دارائی ها و نعمت های مسلمانان -به دلیل این که شریعتش را تطبیق می نمودند- برکت افکند. در نتیجه غنی شدند و اقتصادشان را تقویت بخشید و خلیفه مسلمانان حریص ترین مردم به بیت المال بود، والی ها و مسئولین را محاسبه می نمود؛ به سبب عدم موجودیت خلافت. اما حالت ما تأسف بار است؛ اموال و دارائی های مان چور، چپاول و دزدی می شود، چه از سوی بیگانگان کفار که دشمنی آشکار دارند و حرص غارت منابع مسلمانان، از جمله نفت و سائر مواد خام حیاتی را دارند، چه از سوی فرزندان و اهل مان، آنانی که مسئولیت های شان را ادا نمی کنند، اموال امت را بدون بازدارنده و منع کننده غارت می کنند، دولت های مسلمانان و رعیت شان فقر شدید و اقتصاد شکننده وابسته به کشورهای کفری سرمایه داری مثال گردیده است. به این فرموده الله صدق می کند:

﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزْبِئُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ﴾ [البقره: 276]

ترجمه: الله [سبحانه و تعالی] ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد! و الله [سبحانه و تعالی] هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست نمی دارد.

پس آیا از دست رفتن دارائی مسلمانان و ریشه کن شدن برکت از زندگی شان که حتی بسیاری شان از شدت گرسنگی به خود می پیچند، دلیلی جز نبود امام/سپر که امت را تحت پرچم اسلام متحد می سازد، دلیل دیگری دارد؟!!

علماء در طول تاریخ از عهد نبوی، سپس عهد راشدین الی عهد عثمانی درک نموده اند که آنان کسانی اند که برای امت حق را می شناسانند و امت را از انحراف و گناهان دور می سازند، زیرا آنان کسانی اند که این فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم را خوانده اند و اطاعت کردند: «الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ» ترجمه: علماء جانشینان پیامبرانند. و آنان کسانی اند که این فرموده الله -سبحانه و تعالی- را خوانده اند: ﴿الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ﴾ ترجمه: (پیامبران) پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالت های الهی می کردند و (تنها) از او می ترسیدند، و از هیچ کس جز الله بیم نداشتند.

و آنان کسانی‌اند مواضع محاسبه و گفتن حق و این که حق را بیان کنیم هرچند مشکل هم باشد، برای ما نوشته و تدوین نموده‌اند. از جمله آنان امام احمد ابن حنبل می‌باشد که جالب‌ترین مثل‌ها را در مورد محاسبه حکام بیان نموده است؛ حتی گفته مشهوری دارد که با خط زرین طلا نوشته می‌شود: «إذا أجب العالم تقيّة والجاهل يجهل فمتى يتبين الحق؟!؛ هرگاه عالم از روی تظاهر پاسخ دهد، در حالی که نادان نمی‌داند، پس چی وقت حق بیان می‌شود.» از جمله آنان العز بن عبد السلام بائع الملوك، سعید ابن جبیر، ابو حازم التابعي الجليل و ... هستند.

کفار استعمارگر مبنی بر فهم این نقش محوری علماء امت، در این زمان حملاتی را به هدف منحرف ساختن علماء از جاده حق و راستی به راه انداختند و برای رسیدن به این هدف از ترساندن، تشویق کردن و گمراه‌سازی کار گرفتند. کفار استعمارگر این واقعیت را درک نمودند که "هرگاه دو دسته مردم صالح شدند، سائر مردم صالح می‌شوند و هرگاه این دو دسته فاسد شدند، مردم هم فاسد می‌شوند؛ آن دو دسته؛ علماء و امراء(حکام) هستند." و هم‌چنان درک نموده‌اند که ثابت نگهداشتن تصرف حکومت در سرزمین‌های مسلمانان از طریق نگهداران شان امکان ندارد، به مدت طولانی در برابر بادها و ناپایداری‌هایی که بر ضد آنان می‌وزد و به اثر این که آنان بر تکیه‌گاه طبیعی امت استوار، نه بلکه بر تکیه‌گاه خارجی استوار هستند، مقاومت کنند؛ مگر این که برای این نگهداران شان لشکری از علماء، اهل رسانه‌ها، نویسندگان و روزنامه‌نگاران را مهیا کنند که صبح و شام حاکم را توصیف نمایند و با این کار این نظام‌هایی را که از جسم امت اجنبی‌اند، پاک و شرعی جلوه دهند تا این که آن جسم بدون مقاومت بپذیرد و گمان برد که آن جزئی اصیل آن است؛ در حالی که آن جز مرض سختی که به رگ‌های آن سرایت می‌کند، چیز دیگری نیست! با این کار امت علماء ربانی را از دست داند؛ علمائی که حق را بیان می‌نمودند و جز از الله یکتا از هیچ کسی دیگری نمی‌ترسیدند.

با وجود این و آن، امت علماء متقی و پاک دارند، علماء مبارز و مخلصی که نجات امت‌شان را از آن‌چه که رنج می‌برند، به دوش گرفته و با آنان به سوی بلندی و بزرگی قدم به قدم حرکت می‌کنند؛ از طریق کار جدی برای برپایی خلافت راشده ثانی بر منهج نبوت، گرچه در خطر بزرگ قرار هم داشته باشند. بنابر این، باید امت میان علماء [واقعی] و کسانی که ادعای علم را دارند، تفکیک کنند، و هم‌چنان میان کسی که برای بیداری و بزرگی امت تلاش به خرج می‌دهد و کسی که برای تحکیم ذلت و خواری در میان امت تلاش دارد، تمییز کند. ما به وعده گاه نزدیک -به اذن الله- با بازگشت دولت خلافت راشده ثانی قرار داریم و حکم بما انزل الله باز می‌گردد، عزت و کرامت باز می‌گردد و محافظت از دشمن و علمای ربانی که سخن حق را می‌گویند و تنها از الله می‌ترسند، باز می‌گردد، و این کار بر الله دشوار نیست.

#أقيموا\_الخلافة

ReturnTheKhilafah#

YenidenHilafet#

#خلافت\_کو\_قائم\_کرو

نویسنده: علی القاضی - ولایه یمن

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

مترجم: حمزه پارسا